

بررسی نقش عوامل روان‌شناختی بر کاربرد راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک توسط گندم کاران
(مطالعه موردی: گندم کاران شهرستان بناب)

وکیل حیدری ساربان^۱ - دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
علی مجنونی توتاخانه - مدرس گروه مهندسی معماری دانشگاه بناب، فارغ‌التحصیل جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، بناب، ایران
مجتبی مفرح بناب - عضو هیأت علمی گروه مهندسی معماری دانشگاه بناب، بناب، ایران

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۷/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۴

چکیده

بدون شک انواع بلایای طبیعی زندگی انسان را در طول تاریخ تهدید کرده و گاه تمدن‌های بشری را منقرض نموده است. این پدیده‌ها در هر زمانی از سال، روز و یا شب ممکن است رخ دهد، مهم‌ترین ویژگی‌های آن‌ها غیرقابل پیش‌بینی و ناگهانی بودن وقوع آن و هم‌چنین کوتاه بودن زمان برای عکس‌العمل در مقابل آن‌هاست. هدف این مقاله شناسایی عوامل مؤثر بر کاربرد راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک توسط گندم کاران شهرستان بناب می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش گندم کاران شهرستان بناب با ۵۶۹۵ بهره‌بردار و در قالب سه تعاونی فعال است. بر اساس جدول گرجسی و مورگان ۴۰۰ نفر به‌عنوان نمونه مورد بررسی، تعیین گردید. بر اساس مشخصات جامعه روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد. این تحقیق از نوع کاربردی و از لحاظ روش تحقیق توصیفی - همبستگی و تحلیلی از نوع علی - ارتباطی است. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۵۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب‌شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا، پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۸۷ الی ۰/۸۹ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. بر اساس نتایج حاصل ۵۷/۱۵ درصد از گندم کاران شهرستان بناب در گروه متوسط از لحاظ کاربرد راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک قرار داشتند. هم‌چنین یافته‌های تحقیق نشان داد که بین تمامی متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و مدیریت ریسک در بین گندم کاران رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. بنابراین بهتر است که دوره‌های آموزشی جهت توانمندسازی و ظرفیت‌سازی به‌منظور به‌کارگیری مدیریت ریسک در بین گندم کاران مدنظر مسئولان قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: توانمندی روان‌شناختی، راهبردهای تولیدی زراعی، مدیریت ریسک، گندم کاران، شهرستان بناب.

۱. مقدمه

اهمیت کشاورزی در توسعه اقتصادی سبب شده است که افزایش تولید و درآمد کشاورزان از طریق کنترل چالش‌ها و ارائه راهکارهای مناسب، همواره مورد توجه سیاست‌گذاران قرار داشته است. عوامل ریسک یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که کشاورزان پیوسته از آن رنج می‌برند و موجب زیان فراوان می‌باشد.

تولید و تجارت محصولات کشاورزی فعالیتی است که به صورت ذاتی دارای ریسک می‌باشد؛ به عنوان مثال تغییرات در آب و هوا و یا هجوم آفات و امراض گیاهی می‌تواند باعث کاهش کیفیت و پایین آمدن محصول شود. تغییر جزئی در عرضه و تقاضای محصول کشاورزی نیز می‌تواند باعث تغییرات سریع قیمت آن‌ها گردد و هم‌چنین تغییر در قوانین باعث تغییر برنامه‌های عملیاتی تولیدی و هزینه‌ها می‌گردد (صادق‌لو، سجاسی قیداری، ۱۳۹۳: ۱۳۳). علاوه بر ریسک قیمت و تولید، بخش کشاورزی در معرض ریسک مالی مرتبط با بازگشت سرمایه و هم‌چنین ریسک سلامتی کارکنان و افراد، مرتبط با شرایط محیطی و کاری است (حسن‌لو و همکاران، ۱۳۸۶)؛ به عبارتی کشاورزی فعالیتی سرشار از مخاطرات است. در این فعالیت انواع مخاطرات طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، عمومی دست‌به‌دست هم داده و مجموعه شکننده و آسیب‌پذیری برای کشاورزان فراهم کرده‌اند. ریسک تولید خسارات زیادی به کشاورزان و منابع ملی وارد می‌کند به‌طور مثال ترک روستا به دلیل وجود منابع ریسک به‌ویژه ریسک تولید، موجب شده است که کشور بخش عظیمی از تولیدکنندگان خود را از دست بدهد در نتیجه توسعه کشور با مشکل مواجه می‌شود (گراوندی، علی بیگی، ۱۳۸۹)؛ درحالی‌که اگر این افراد با راهبردهای مدیریت ریسک^۱ آشنا بودند بهتر می‌توانستند منابع ریسک و تغییرات درآمدی خود را کنترل کنند و مجبور به ترک محل اقامت خود نمی‌شدند. (حیدری، ۱۳۸۵) اساس پژوهش‌های صورت گرفته، استان آذربایجان شرقی از جمله استان‌های حادثه‌خیز کشور است که هر سال بروز خطرات بالقوه پدیده‌های جوی در آن دور از انتظار نیست. اطلاعات هواشناسی ثبت شده در بین سال‌های ۹۲-۸۰ نشان می‌دهد که در این استان ریسک‌هایی از قبیل سیل، خشک‌سالی، سرمازدگی بهاره و پاییزه، طوفان، گردوغبار و بارندگی و تگرگ اتفاق افتاده است و هرکدام از آن‌ها خسارات سنگینی را به بخش کشاورزی وارد نموده‌اند. از طرفی نبود دانش و اطلاعات کافی کشاورزان در زمینه‌ی راهکارهای مدیریت ریسک در فرآیند تولید محصولات کشاورزی خود منجر به افزایش چندین برابری خسارات وارده به کشاورزان شده است؛ بنابراین وجود دامنه گسترده ریسک تولید و اهمیت بخش کشاورزی در استان آذربایجان شرقی و ضرورت توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های روان‌شناختی کشاورزان در این زمینه سبب شد که در این تحقیق به بررسی موضوع ریسک تولید و راهبردهای مدیریتی آن در بین کشاورزان پرداخته شود. چون که مطالعات نشان داده است که به‌کارگیری راهبردهای مدیریت ریسک توسط زارعان در انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب دارای اثرات مثبتی بوده است. درواقع

راهبرد مدیریت ریسک قادرند که آثار منفی ناشی از تغییرات اقلیمی را به حداقل رسانده و بسیاری از پیامدهای منفی آن را حل نمایند. از این رو شناسایی عواملی که می‌تواند بر استفاده از این راهبردها مؤثر باشد امری ضروری به نظر می‌رسد. محققان و برنامه‌ریزان می‌توانند با در نظر گرفتن این عوامل به تدوین برنامه‌های واقع‌بینانه بپردازند. از طرفی امروزه اکثر دانشمندان و صاحب‌نظران عرصه‌ی توسعه، محصول گندم به خاطر نقش مهمی که در عرصه سیاسی و اقتصادی کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کند، به‌عنوان یک محصول استراتژیک در تمام دنیا به حساب می‌آورند (ژانگ و بارتول^۱، ۲۰۱۰: ۱۰۹-۱۱۰). لذا با توجه به اینکه اهمیت اقتصادی گندم چه از نظر تولید و چه از نظر تغذیه در دنیا بیش از سایر محصولات کشاورزی می‌باشد، ضرورت اتخاذ رویکردهای مبتنی بر توانمندی‌های روان‌شناختی مردم ضمن افزایش پایداری تولید گندم به‌عنوان یک کالای استراتژیک، میزان آسیب‌پذیری گندم کاران را نیز در برابر انواع مخاطرات محیطی و انسانی کاهش خواهد داد (لوکستید و همکاران^۲، ۲۰۱۴: ۶۱۷). زیرا توانمندی روان‌شناختی از طریق تقویت اعتماد به نفس کشاورزان نسبت به خودشان و تلاش در جهت اثربخش ساختن و تأثیرگذار کردن فعالیت‌های تولیدی‌شان، زمینه را برای اتخاذ یک راهبرد دائمی و روبه‌جلو جهت گذر از خطرات احتمالی فراهم می‌سازد (دیسکو^۳ و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۴۷). بنابراین ضرورت فهم و پی بردن به میزان ریسک این کار در میان گندم کاران و نیز درک عوامل روان‌شناختی مؤثر بر به‌کارگیری راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک در تولید گندم، این پژوهش انجام پذیرفته است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات اساسی زیر است:

میزان کاربرد راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک در تولید گندم میان گندم کاران شهرستان بناب چقدر است و چه عواملی بر آن مؤثر هستند؟

راهکارهای پیشنهادی برای افزایش رویکرد مدیریت ریسک در بین گندم کاران چیست؟

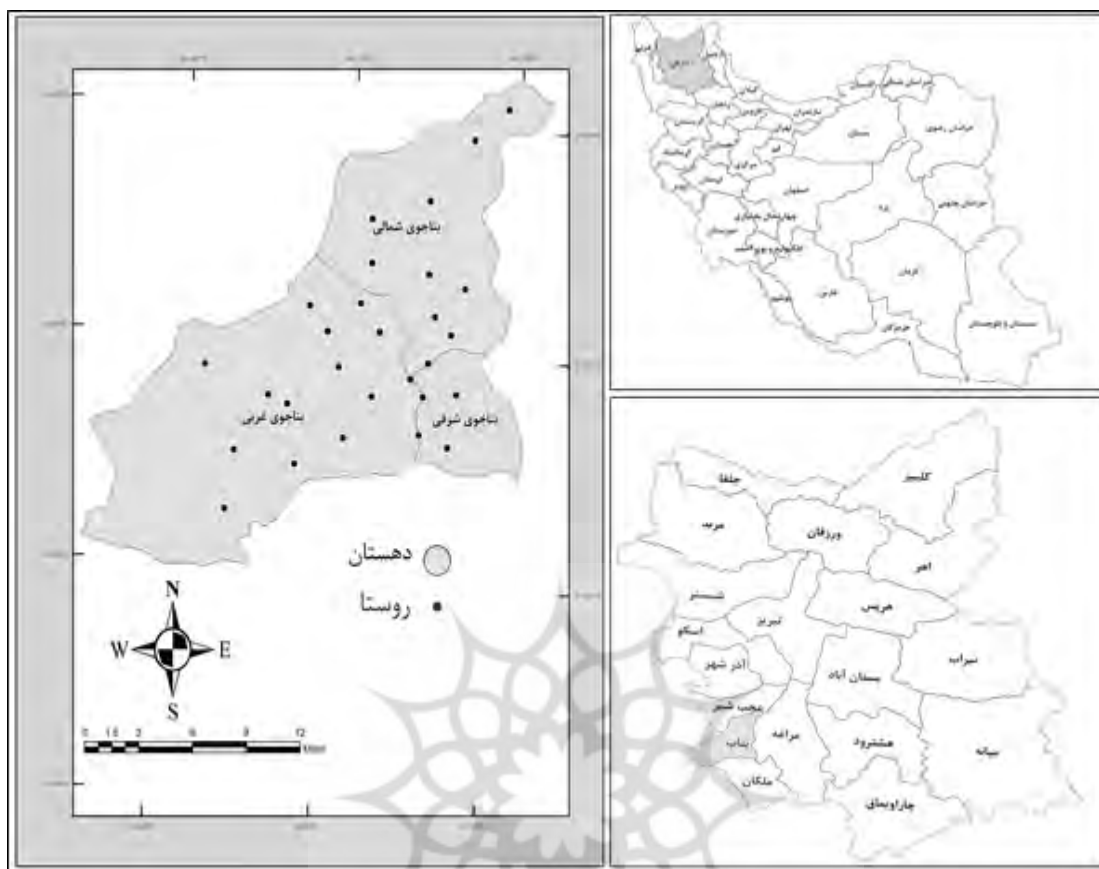
۲. منطقه مورد مطالعه

شهرستان بناب یکی از قطب‌های گندم‌کاری در استان آذربایجان شرقی به شمار می‌رود و به‌عنوان منطقه پژوهش انتخاب شده است. شهرستان بناب دارای یک بخش، سه دهستان و ۲۹ روستای دارای سکنه و جمعاً ۴۹۹۰۲ جمعیت می‌باشد (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰).

1 Zhang and Bartol

2 Luckstead et al

3 Dzecco



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

۳. مواد و روش‌ها

روش تحقیق توصیفی، همبستگی و تحلیلی از نوع علی، ارتباطی می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌ها در این مطالعه پرسش‌نامه‌ای بوده است که با توجه به اهداف تحقیق طراحی شد. رویی صوری پرسشنامه توسط پانل متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. جهت تعیین نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری ساده استفاده شده و تعداد ۴۰۰ نفر از گندم‌کاران شهرستان بناب به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۵۰ پرسشنامه صورت گرفت و با داده‌های کسب‌شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم‌افزار SPSS، پایایی بخش‌های مختلف پرسشنامه تحقیق ۰/۸۷ الی ۰/۸۹ به دست آمد. در این تحقیق میزان کاربرد راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک در بین گندم‌کاران شهرستان بناب به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. راهبردهای متنوعی برای مدیریت ریسک در بخش کشاورزی وجود دارد. این راهبردها عبارت‌اند از: راهبردهای تولید زراعی، مالی، بازاریابی و بیمه (گراوند و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۲۵۵-۲۵۶). در این تحقیق راهبردهای تولید زراعی به‌عنوان یکی از اقدام‌های مهم در فرآیند مدیریت ریسک در بخش کشاورزی مدنظر قرار گرفت. این راهبردها مجموعه اقدام‌های

تولیدی زراعی می‌باشند که اگر زارعین در فرآیند تولید محصول مدنظر قرار دهند بخش اعظمی از مخاطراتی که در تولید محصولات با آن مواجه می‌شوند، کنترل خواهد شد. عمده این راهبردها عبارت است از: کشت متنوع، کاربرد واریته‌های مناسب، استفاده بهینه از نهاده‌ها، کاربرد روش‌های مدیریت تلفیقی (رزاقی بورخانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳-۴). به‌منظور سنجش این متغیر گویه‌های مختلفی در زمینه راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک مطرح شد. به این منظور با پاسخ‌های چندگزینه‌ای (هیچ، بسیار کم، کم، متوسط، زیاد و بسیار زیاد) طراحی شد و به صورت (خیلی کم=۱ لغایت خیلی زیاد=۵) ارزش‌گذاری گردید. متغیرهای مستقل این پژوهش که نقش آن‌ها بر روی متغیر وابسته تحقیق مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است عبارت است از: ویژگی‌های شخصی، زراعی، اقتصادی، اجتماعی، میزان شرکت... کاران در کلاس‌های آموزشی و ترویجی و میزان استفاده گندم کاران از کانال‌های ارتباطی (گراوند و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۲۵۷).

۴. چارچوب نظری پژوهش

مدیریت ریسک کاربرد سیستماتیک سیاست‌های مدیریتی، رویه‌ها و فرایندهای مربوط به فعالیت‌های تحلیل، ارزیابی و کنترل ریسک می‌باشد (گلزاری پرتوی، ۱۳۹۴: ۱۴۰-۱۴۱). مدیریت ریسک عبارت از فرایند مستندسازی تصمیمات نهایی اتخاذ شده و شناسایی و به‌کارگیری معیارهایی است که می‌توان از آن‌ها جهت رساندن ریسک تا سطحی قابل قبول استفاده کرد (چانگ^۱، ۲۰۱۱: ۱۱۷). به عبارتی ریسک عبارت است از تمدیدی فرصت‌زا جهت دستیابی به موفقیت و منفعت، در فرهنگ لانگمن ریسک به معنای احتمال وقوع چیزی بد یا نامطلوب و یا احتمال وقوع خطر تعریف شده است، به بیان دیگر می‌توان ریسک را احتمال برآورده نشدن پیش‌بینی‌های آینده در نظر گرفت. به‌طور کلی ریسک دو نوع می‌باشد، حالت اجباری و اختیاری که نوع دوم آن قابلیت کنترل و مدیریت را دارد. (جماعت و عسگری، ۱۳۸۸: ۳).

به‌زعم آستلز^۲ و همکاران (۲۰۰۶)، مدیریت ریسک یک روش فعال و پویا گرانه است که به اگرها پاسخ می‌دهد و شامل دو بخش کاهش و کنترل ریسک می‌باشد. هدف از کاهش ریسک، به حداقل رساندن خطر یک واقعه نامطلوب و هدف از کنترل، جمع‌آوری اطلاعات برای مشخص کردن این‌که آیا ابتکارات اجرا شده به طور مؤثر خطر واقعه نامطلوب را به حداقل رسانده است، باخبر می‌باشد. به باور گرین^۳ (۲۰۰۳)، مدیریت ریسک تنها بیمه کردن محصولات نیست. مدیریت ریسک هر چیزی است که انجام می‌شود تا بتوان به طور واقع‌گرایانه ریسک را درک و به آن رسیدگی نمود (عزمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵-۲۶). به‌طور کلی ریسک تولید، ناشی از فرآیندهایی

1 Chang

2 Asteles

3 Green

است که رشد طبیعی محصول را تحت تأثیر خود قرار داده و موجب تغییر در کمیت و کیفیت محصول تولید شده می‌شود. منابع این ریسک عبارت‌اند از: آب‌وهوا (خشک‌سالی، سیل، تغییرات دما، تگرگ، طوفان، سرمای ناگهانی، گردباد زمین‌لرزه و ...) آفات و بیماری‌ها و علف‌های هرز، غیر حاصل خیزی خاک، تاریخ کشت، روش تولید و... می‌باشد.

با آنکه تاکنون تعاریف و متغیرهای متعددی از ریسک در مدیریت زراعی ارائه شده است، ولی به اعتقاد دانشمندان همه این تعاریف بر روی مفاهیمی ارائه شده‌اند که سه عامل مشترک را می‌توان در آن‌ها مشاهده کرد:

۱- عمل یا اقدام بیش از یک نتیجه به بار می‌آورد؛

۲- تا زمان ملموس شدن نتایج از حصول هیچ‌یک از نتایج آگاهی قطعی در دست نباشد؛

۳- حداقل یکی از نتایج ممکن‌الوقوع می‌تواند پیامدهای نامطلوبی را به همراه داشته باشد؛

راهبردهایی که برای مدیریت این ریسک استفاده می‌شوند عبارت‌اند از: استفاده از نهاده‌های کاهش‌دهنده ریسک، (کاهان، ۲۰۰۸)، رعایت اصول فنی کاشت، داشت و برداشت (رمضانی مقدم، ۱۳۸۳ و بهرنگی نیا، ۱۳۸۵)، بیمه محصولات کشاورزی (اندرسون^۱، ۲۰۰۱ و نلسون^۲، ۱۹۹۷)، متنوع سازی برنامه‌های تولید (کاهان^۳، ۲۰۰۸) استفاده از روش‌های جدید آبیاری (بدر، ۲۰۰۳ و رستمی و همکاران، ۲۰۰۶)، ترویج نگهداری پول یا پس‌انداز در میان روستاییان، تنوع سرمایه‌گذاری، تغییر در سیاست‌های دولت (برمی زاده، ۲۰۰۳ و شورت رید^۴، ۲۰۰۵) استفاده از تکنولوژی‌های کاهش دهنده ریسک، انعطاف‌پذیری سیستم، ذخیره کردن نهاده و سیستم، استفاده از دانش بومی برای پیش‌بینی آب‌وهوا، اجاره دادن زمین، متنوع سازی فعالیت‌های تولید (هاردکر، ۲۰۰۶؛ نلسون ۱۹۹۷؛ بلنک و مک دونالد^۵، ۱۹۹۶؛ رستمی و همکاران، ۱۳۸۵ و بریم زاده، ۱۳۸۴) می‌باشد.

از طرفی هدف از مدیریت ریسک در فعالیتهای زراعی، مدیریت نااطمینانی است و شامل فعالیت‌های شناسایی^۶، ارزیابی^۷، پایش^۸ و کاهش تأثیر ریسک‌ها بر یک کسب‌وکار می‌شود (فلاتن^۹ و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۳). یک برنامه مدیریت ریسک صحیح با استراتژی‌های مدیریت ریسک مناسب می‌تواند مشکلات هزینه‌بر و استرس‌زا را به حداقل

1 Anderson

2 Nelson

3 Kahan

4 Shortreed & Barimzadeh

5 Nelson, Hardker, Blank & McDonald

6 Identify

7 Assess

8 Monitor

9 Flaten

رسانده و ادعای خسارت و حق بیمه را کاهش دهد. بنا به نظر بوهم^۱، مدیریت ریسک، فرایندی شامل دو فاز اصلی است:

- تخمین ریسک که شامل شناسایی، تحلیل و اولویت‌بندی است و کنترل ریسک که مراحل برنامه‌ریزی مدیریت ریسک، برنامه‌ریزی، نظارت ریسک و اقدامات اصلاحی را شامل می‌شود. به اعتقاد فیئرلی^۲ مدیریت ریسک دارای هفت فاز است:

- شناسایی عوامل ریسک؛ تخمین احتمال رخداد ریسک و میزان تأثیر آن؛ ارائه راهکارهایی جهت تعدیل ریسک‌های شناسایی شده؛ نظارت بر عوامل ریسک؛ ارائه یک طرح احتمالی؛ مدیریت بحران؛ احیای سازمان بعد از بحران (کویسلینگ^۳ و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۹۷-۱۹۹). در راستای ایجاد ظرفیت‌های بیشتر برای تقویت مدیریت راهبردی و سیستمی کشاورزان به منظور کاهش خطرات و مدیریت ریسک تولید گندم رویکردهای متفاوتی ارائه شده است. از بین رویکردهای پیشنهادی به منظور تقویت رویکردهای مدیریت ریسک تولید گندم، تمرکز بر عوامل روان-شناختی از اهمیت زیادی برخوردار است. از نظر صاحب‌نظران، توانمندی روان‌شناختی به‌عنوان فرایندی جهت بهبود وضعیت کشاورزان از طریق ایجاد و گسترش نفوذ مبتنی بر صلاحیت و توانمندی آنان است (گراوند و علی بیگی، ۱۳۹۰: ۲۵۹-۲۶۰). هدف از بررسی عوامل روان‌شناختی ارائه بهترین منابع فکری مربوط به هر زمینه از عملکرد کشاورزان است. بنابراین می‌توان گفت که توانمندی روان‌شناختی فرایندی است که طی آن احساس افراد در مورد خودکارآمدی افزایش می‌یابد و این امر از طریق شرایطی که عجز و ناتوانی را برطرف می‌کند، محقق می‌شود، این شرایط می‌تواند از طریق اتخاذ رویکردهای مدیریتی جهت غلبه بر نامایمات آتی محقق شود (نیهارد^۴ و همکاران، ۲۰۱۳: ۳۱۴). در مجموع عوامل روان‌شناختی در قالب یک فرایند انگیزشی در حوزه‌های روان‌شناختی که دارای پنج بعد اصلی احساس معنی‌دار بودن، احساس شایستگی، احساس خودتعینی، احساس تأثیر و احساس خودتعینی می‌باشد ظهور می‌یابد. این حوزه‌های شناختی، تمایلات فعالی (به‌جای منفعل) را در ارتباط با نقش یا وظیفه گندم‌کاران در اتخاذ راهبردهای مدیریت ریسک منعکس می‌کنند. (برگ و اکامیتز^۵، ۲۰۰۸: ۱۲۱)

احساس معنی‌دار بودن: عبارت است از ارزش اهداف شغلی گندم‌کاران که در ارتباط با استانداردها و یا ایده آل‌های فردی مورد قضاوت قرار می‌گیرد. در واقع معنی‌دار بودن شامل تطابق بین الزامات نقش کشاورزان و به‌خصوص گندم‌کاران و شغل آنان از یک طرف و اعتقادات و ارزش‌ها و رفتارها از طرف دیگر است (هال، ۲۰۰۸: ۱۴۳)

1 Boehm
2 Fairly
3 Koesling
4 Neyhard
5 Berg and Schmitz

احساس خودکارآمدی: شایستگی یا خودکارآمدی، اشاره به اعتقاد کشاورزان به توانایی و ظرفیت خود برای انجام کارهاست. در واقع شایستگی چیزی شبیه اعتقادات عامل، توانایی و با انتظار تلاش عملکرد است (هال^۱، ۲۰۰۸: ۱۴۸-۱۴۷).

احساس خود تعینی: خود تعینی بیانگر استقلال کشاورزان در پیش قدمی و استمرار رفتارها و فرایندهاست. به عبارتی این بعد از توانمندی روان شناختی کشاورزان منجر به عدم احساس بیگانگی آنان در محیط کار کشاورزی و رضایت کاری بیشتر آنان جهت دستیابی به سطوح بالای عملکردی در مدیریت ریسک است (اکیر^۲ و همکاران، ۲۰۱۳: ۷۳-۷۲).

احساس تأثیر: عبارت است از حدی که در آن کشاورزان و مخصوصاً گندم کاران توانایی نفوذ در پیامدهای استراتژیکی و یا عملیاتی در کار خود را دارا می باشد. در واقع گندم کارانی که بعد تأثیر در آنها قوی است، به محدود شدن توانایی های خود توسط موانع بیرونی اعتقادی ندارند و می کوشند به جای رفتار واکنشی در برابر محیط، تسلط خود را بر آنچه می بینند، حفظ کنند (سونگ و ورنوی^۳، ۲۰۱۰: ۲۸).

احساس اعتماد به دیگران: کشاورزان و گندم کاران از طریق اتکا به توانایی اعتماد به دیگران اطمینان خواهند یافت که صاحبان قدرت، مسئولان و غیره به عنوان پشتیبان و همیار آنان در موانع خطر بوده و از طریق اعتماد به آنان خواهند کوشید که احساس امنیت بیشتری را تجربه نمایند (مالاپیت^۴ و همکاران، ۲۰۱۳).

۵. پیشینه پژوهش

نتایج تحقیق گراوند و علی بیگی (۱۳۸۹)، در تحقیقی با عنوان «تعیین عوامل مؤثر بر استفاده از راهبردهای مدیریت ریسک تولید کشاورزان ذرت کار شهرستان کرمانشاه» نشان داد که کشاورزان با راهبردهای نوین مدیریت ریسک تولید مانند کشت مخلوط و... در حد کمی آشنایی دارند و اقدامات خود را به استفاده از راهبردهای سنتی مانند استفاده از کودهای شیمیایی و... بسنده نموده اند. متغیرهایی که بیشترین واریانس را در سطح استفاده از راهبردهای مدیریت ریسک تولید تبیین کردند، سن، مقدار زمین زارع و درآمد کل زارع بودند. تحقیقات لو^۵ و همکاران (۲۰۰۸)، استرم (۱۹۹۰) و فیگن بام^۶ و همکاران (۱۹۹۶) نیز نشان داد که یکی دیگر از عواملی که می تواند در میزان استفاده از راهبردها و ریسک پذیری کشاورزان تأثیر بگذارد فقر و میزان درآمد کشاورزان است. ساسمال^۷

1 Hall

2 Akire

3 Song and Vernooy

4 Malapit

5 Lu

6 Feigen

7 Sasmal

(۲۰۰۳) آثار به‌کارگیری نهاده‌های مختلف را بر میانگین و ریسک تولید با کمک تابع تولید تصادفی تعمیم‌یافته مطالعه کرد و به این نتیجه رسید که نهاده‌های نیروی کار و بذر مرغوب موجب کاهش ریسک و نهاده کود شیمیایی موجب افزایش ریسک می‌شود. مطالعات نلسون و لوهمن^۱ (۲۰۰۵)، در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین ویژگی‌های زراعی و میزان ریسک‌پذیری کشاورزان و استقبال آنان از بیمه‌های زراعی» نشان داد که بین فصل زراعت، نوع زراعت و نوع نظام زراعی کشاورزان و استقبال آنان از بیمه‌های مطرح‌شده ارتباط معناداری وجود دارد. عمانی و نیک‌اندیش (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر کاربرد راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک توسط گندم کاران شهرستان دزفول» نشان داد که بین سطح تحصیلات، دانش فنی، نگرش درزمینه‌ی راهبردهای مدیریت ریسک، درآمد محصول و شرکت در کلاس‌های ترویجی با سطح به‌کارگیری راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک توسط گندم کاران در سطح ۰/۰۱ رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج مطالعات علمی و وال^۲ (۲۰۰۵)، حاکی از آن است که مهم‌ترین منابع ریسک از نقطه‌نظر کشاورزان نیجریه ستانده و پس از آن قیمت نهاده است. دیگر منابع ریسک به ترتیب اهمیت عبارت بودند از خشک‌سالی‌ها، آفات و بیماری‌ها، نداشتن دسترسی به سرمایه و سرقت. روستا و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی سازوکارهای ترویجی مؤثر بر مدیریت ریسک تولید گندم در استان خراسان رضوی» نشان داد که در مرحله شناسایی ریسک‌های تولید گندم، سازوکارهای گروهی و انبوهی؛ در مرحله ارزیابی اثرات ریسک‌های تولید گندم، سازوکارهای گروهی و انفرادی و استفاده از تشکل‌های بومی؛ در مرحله استراتژی‌ها و ابزارها، سازوکارهای گروهی، طراحی برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی؛ در مرحله روش‌های انتخاب ابزار و استراتژی‌های مدیریت ریسک، سازوکارهای انفرادی و به‌کارگیری دانش بومی؛ در مرحله فرآیند تصمیم‌سازی، سازوکار گروهی-انفرادی با تأکید بر دانش بومی بر مدیریت ریسک تولید گندم مؤثر هستند. نتایج تحقیق مقدسی (۱۳۷۵)، نشان می‌دهد که سن زارع نقش مهمی در ریسک‌پذیری و میزان استفاده از راهبردهای مدیریت ریسک دارد. تحقیقات لو و همکاران (۲۰۰۸)، استرم (۱۹۹۰) و فیگن بام و همکاران (۱۹۹۶) نیز نشان داد که یکی دیگر از عواملی که می‌تواند در میزان استفاده از راهبردها و ریسک‌پذیری کشاورزان تأثیر بگذارد فقر و میزان درآمد کشاورزان می‌باشد. فالکو و پرینگز^۳ (۲۰۰۵)، در مطالعات خود افزایش اعتبارات مالی، شایستگی، تأثیر، معنی‌داری، گسترش وسعت زمین برای محصول و کاهش وسعت محصولات جانشین را از دیگر تمهیدات موجود برای مقابله با خطر عنوان می‌کنند.

1 Nelson & Loehman

2 Wall

3 Falco & Perrings

۶. بحث و نتایج

یافته‌های توصیفی پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. بر اساس نتایج حاصل بیشترین فراوانی مربوط به طبقه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال (۶۷/۷۵ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به طبقه ۶۰ سال و بیشتر (۲/۷۵ درصد) سال می‌باشد.

هم‌چنین در زمینه فراوانی افراد مورد مطالعه در زمینه تحصیلات مشخص شد که بیشترین میزان فراوانی در گروه دبیرستان با ۱۳۳ نفر و کمترین میزان در گروه بی‌سواد با ۱۲ نفر قرار دارند.

به‌منظور سنجش سطح راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک توسط گندم‌کاران، ۱۲ پرسش در این زمینه طراحی و از پاسخگویان خواسته شد تا پاسخ‌های خود را در یک طیف ۶ گزینه‌ای (هیچ، بسیار کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) بیان کنند. فراوانی و درصد پاسخ‌های کلیه افراد مورد مطالعه در خصوص هر پرسش در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲. سطح کاربرد راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک گندم‌کاران

انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۰/۹۷	۲/۴۵	استفاده از روش تنوع در کشت برای مقابله با ریسک
۰/۹۲	۲/۵۰	استفاده از روش کشت و فعالیت در چند مکان برای مقابله با ریسک
۰/۹۱	۲/۵۱	استفاده از واریته‌های مناسب و مقاوم برای مقابله با ریسک
۰/۸۹	۲/۶۷	مناسب بودن زمان کشت (کشت به موقع) برای مقابله با ریسک
۰/۹۲	۲/۷۰	استفاده بهینه از نهاده‌های مورد نیاز (بذر، کود و ...) برای مقابله با ریسک
۰/۹۱	۲/۷۲	استفاده از اراضی تسطیح و زهکشی شده برای مقابله با ریسک
۱/۰۱	۲/۶۴	استفاده از روش‌های پیش‌آگاهی برای مقابله با ریسک
۱/۰۷	۲/۶۵	استفاده بهینه از ماشین‌آلات کشاورزی برای مقابله با ریسک
۰/۹۹	۲/۵۱	استفاده از روش‌های نوین آبیاری مقابله با ریسک
۱/۱	۲/۵۶	استفاده بهینه از اطلاعات تولید برای مقابله با ریسک
۱/۰۳	۲/۶۰	استفاده از بذور مرغوب و اصلاح‌شده برای مقابله با ریسک
۱/۰۹	۲/۴۸	استفاده از مدیریت تلفیقی آفات و علف‌های هرز برای مقابله با ریسک

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

جهت گروه‌بندی گندم‌کاران مورد مطالعه برحسب سطح به کارگیری راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک مجموع پاسخ‌ها محاسبه شد و با توجه به تعداد سؤال‌ها و ارزش پاسخ‌ها دامنه نمره افراد بین ۰ تا ۵۵ تعیین شد افرادی

که نمره آن‌ها از صفر تا ۱۲، بود در گروه کاربرد بسیار پایین، از ۱۲ تا ۲۴، کاربرد پایین، از ۲۴ تا ۳۶، کاربرد متوسط، از ۳۶ تا ۴۸، کاربرد بالا و از ۴۸ تا ۶۰، در گروه با کاربرد بسیار بالا قرار گرفتند.

جدول ۳. توزیع فراوانی گندم کاران بر حسب سطح مدیریت ریسک از ابعاد تولیدی زراعی

سطح	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بسیار پایین	۴۱	۱۲/۵۰	۱۲/۵۰
پایین	۶۷	۲۰/۲۵	۳۲/۷۵
متوسط	۱۸۵	۴۶/۲۵	۷۹/۰۰
بالا	۵۴	۱۵/۲۵	۹۴/۲۵
بسیار بالا	۲۳	۵/۷۵	۱۰۰
جمع	۴۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش در مورد وجود یا عدم وجود ارتباط بین متغیرهای تحقیق در جدول زیر آورده شده است

جدول ۴. رابطه بین متغیرهای تحقیق

سطح معناداری	ضریب همبستگی	متغیرهای دوم	متغیرهای اول
۰/۰۰۱	۰/۳۵۲	راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک	داشتن قوه ابتکار و خلاقیت
۰/۰۰۰	۰/۴۱۲		مثبت اندیشی و قطعیت در کار
۰/۰۶۲	۰/۰۵۴		خوداتکایی و تحمل شکست و اراده برای شروع کار
۰/۰۰۰	۰/۴۴۷		تأثیرگذاری
۰/۰۰۰	۰/۵۲۱		معنی‌داری
۰/۰۰۱	۰/۳۶۴		تاب‌آوری
۰/۰۰۰	۰/۴۲۰		امیدواری
۰/۰۰۰	۰/۵۶۴		خوش‌بینی
۰/۰۰۰	۰/۶۲۰		داشتن توانایی تصمیم‌گیری
۰/۰۸۷	۰/۰۴۷		فرصت‌شناسی
۰/۰۰۰	۰/۴۶۳		خود کارآمدی
۰/۰۰۱	۰/۳۶۲		خود تعیینی
۰/۰۰۰	۰/۴۵۹		شایستگی
۰/۰۰۰	۰/۶۲۳		توانایی حل مشکل
۰/۱۱۰	۰/۰۱۵		مهارت برقراری روابط انسانی
۰/۰۰۲	۰/۳۰۰		مسئولیت‌پذیری
۰/۰۰۰	۰/۶۶۸	داشتن قابلیت انطباق و انعطاف با شرایط متغیر محیطی	

ادامه جدول ۴.

متغیرهای اول	متغیرهای دوم	ضریب همبستگی	سطح معناداری
وفاداری نسبت به شکل‌ها و سازمان‌های محلی و خودیار		۰/۰۶۸	۰/۰۷۶
دقت بیشتر در کار و توجه به کیفیت		۰/۰۹۹	۰/۰۶۲
ریسک‌پذیری		۰/۶۵۰	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

به‌منظور تعیین رابطه بین متغیرهای مستقل تحقیق و متغیر سطح راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. بر اساس نتایج حاصل، بین متغیرهای داشتن قوه ابتکار و خلاقیت، مثبت اندیشی و قطعیت در کار، تأثیر، معنی‌داری، تاب‌آوری، امیدواری، خوش‌بینی، داشتن توانایی تصمیم‌گیری، خود کارآمدی، خود تعیینی، شایستگی، توانایی حل مشکل، مسئولیت‌پذیری، داشتن قابلیت انطباق و انعطاف با شرایط متغیر محیطی و ریسک‌پذیری با متغیر سطح کاربرد راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک با اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنی‌داری به دست آمد. به عبارتی همبستگی بین متغیر روان‌شناختی گندم کاران (متغیرهای مستقل) با متغیر وابسته (راهبردهای تولید زراعی مدیریت ریسک) دارای همبستگی مثبت و معنی‌داری بوده و افزایش متغیرهای روان‌شناختی (داشتن قوه ابتکار و خلاقیت، مثبت اندیشی و قطعیت در کار، تأثیر، معنی‌داری، تاب‌آوری، امیدواری، خوش‌بینی، داشتن توانایی تصمیم‌گیری، خود کارآمدی، خود تعیینی، شایستگی، توانایی حل مشکل، مسئولیت‌پذیری، داشتن قابلیت انطباق و انعطاف) منجر به افزایش اتخاذ راهبردهای مدیریت ریسک در بین گندم کاران مورد مطالعه شده است.

تحلیل تشخیصی

به‌منظور تحلیل نقش متغیرهای مستقل داشتن قوه ابتکار و خلاقیت (X_1)، مثبت اندیشی و قطعیت در کار (X_2)، خوداتکایی و تحمل شکست و اراده برای شروع کار (X_3) و ... طبقه‌بندی متغیر وابسته سطح به‌کارگیری راهبردهای مدیریت ریسک از آزمون تحلیل تشخیصی به روش گام‌به‌گام استفاده شد. در این روش، متغیرها در صورت مؤثر بودن به مدل تحلیل تشخیصی، وارد معادله شدند و در غیر این صورت از مدل حذف گردیدند.

نتایج آزمون نشان داد که متغیرهای مستقل خوداتکایی، تأثیر، معنی‌داری، تاب‌آوری، امیدواری، فرصت‌شناسی، خود کارآمدی، خود تعیینی و شایستگی مهم‌ترین متغیرهای مستقل مؤثر در سطح به‌کارگیری راهبردهای مدیریت ریسک توسط گندم کاران مورد مطالعه بوده و سایر متغیرهای مستقل از مدل حذف شدند. بر این اساس توابع استاندارد شده ممیزی برای متغیرهای مؤثر در متغیر وابسته، به شرح زیر می‌باشند:

$$D1 = +0/114X1 + 0/541X4 + 0/754X5 + 0/524X18$$

$$\text{WilksLambda}1 = 0/952 \quad 2 = 72/90 \quad \text{Sig} = 0/000$$

$$D2 = +0/952X1 + 0/201X4 + 0/745X5 + 0/498X18$$

$$\text{WilksLambda}2 = 0/957 \quad 2 = 31/492 \quad \text{Sig} = 0/000$$

$$D3 = +0/612X1 + 0/123X4 + 0/435X5 + 0/621X18$$

$$\text{WilksLambda}3 = 0/811 \quad 2 = 25/421 \quad \text{Sig} = 0/000$$

جدول ۵. نتایج گروه‌بندی حاصل از آزمون تحلیل تشخیصی به شیوه گام‌به‌گام

					تعداد نمونه	گروه‌های واقعی گندم کاران به کارگیرنده راهبردهای مدیریت ریسک
بسیار بالا	بالا	متوسط	پایین	بسیار پایین		
۶	۵	۸	۱۴	۳۸	۷۱	بسیار پایین
۵	۶	۹	۲۵	۷	۵۲	پایین
۸	۱۵	۷۹	۳۱	۲۵	۱۵۸	متوسط
۱	۲۴	۹	۱۰	۱۱	۵۵	بالا
۳۰	۹	۹	۱۱	۵	۶۴	بسیار بالا

درصد صحت گروه‌بندی: ۶۷/۲۳ درصد

در نهایت نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش با استفاده از روش تحلیل تابع تشخیصی به روش گام‌به‌گام در جدول شماره‌ی (۶) آورده شده است.

جدول ۶. نتایج حاصل از تحلیل تابع تشخیصی به شیوه گام‌به‌گام

مقایسه میانگین متغیرها		میانگین متغیرهای مستقل در سطوح مختلف راهبردهای مدیریت ریسک				همبستگی متغیرها با توابع تشخیصی			متغیرهای پیش‌بینی کننده
Sig	آزمون	بالا	متوسط	پایین	بسیار پایین	D3	D2	D1	
0/054	F=1/521	45/62	43/96	47/50	44/56	0/120	-0/045	0/025	داشتن قوه ابتکار و خلاقیت
0/124	F=1/218	1/52	2/22	2/02	3/21	0/101	0/065	-0/098	مثبت‌اندیشی
0/000	X ² =5/985	6/05	5/62	6/01	6/42	-0/065	0/045	0/021	خوداتکایی
0/001	X ² =5/652	2/11	2/06	4/11	3/24	0/089	0/062	0/065	تأثیرگذاری
0/000	X ² =6/754	3/85	4/62	1/89	4/42	0/088	-0/045	0/033	معنی‌داری
0/002	X ² =5/165	1/95	1/90	22/01	21/20	0/042	0/066	0/010	تاب‌آوری

ادامه جدول ۶.

مقایسه میانگین متغیرها		میانگین متغیرهای مستقل در سطوح مختلف راهبردهای مدیریت ریسک				همبستگی متغیرها با توابع تشخیصی			متغیرهای پیش‌بینی کننده
Sig	آزمون	بالا	متوسط	پایین	بسیار پایین	D3	D2	D1	
۰/۰۲۱	$\chi^2=5/852$	۲۳/۱۵	۲۰/۰۲	۶/۶۵	۵/۶۲	-۰/۱۰۲	۰/۰۷۸	-۰/۰۶۳	امیدواری
۰/۰۵۴	$F=1/587$	۲/۶۵	۸/۲۱	۰/۲۴	۱/۰۵	-۰/۱۰۵	۰/۱۰۰	-۰/۰۹۹	خوش‌بینی
۰/۲۵۴	$F=1/885$	۰/۸۹	۰/۵۶	۲/۴۱	۳/۱۴	۰/۴۵۲	-۰/۳۲۵	۰/۲۱۱	توانایی تصمیم‌گیری
۰/۰۰۰	$\chi^2=5/745$	۲/۱۴	۳/۰۱	۱۰/۱۲	۹/۸۷	-۰/۰۹۸	۰/۰۸۸	۰/۰۶۹	فرصت‌شناسی
۰/۰۰۰	$\chi^2=6/458$	۱۱/۸۶	۱۰/۱۲	۶/۲۳	۹/۱۶	۰/۰۷۷	-۰/۰۶۹	۰/۰۵۶	خود کارآمدی
۰/۰۰۱	$F=1/365$	۹/۰۵	۸/۰۰	۹/۲۱	۱۱/۱۲	-۰/۰۵۳	۰/۰۴۴	۰/۰۵۰	خود تعیینی
۰/۰۰۰	$\chi^2=6/908$	۳/۵۶	۲/۲۳	۳/۳۶	۳/۶۳	-۰/۰۷۴	۰/۰۶۳	۰/۰۲۹	شایستگی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

مقادیر لامبدای ویلکز این نکته را روشن می‌کند که اختلاف معنی‌داری بین نمره تشخیصی گروه‌های گندم کاران به‌کارگیرنده راهبردهای مدیریت ریسک وجود دارد؛ یعنی این‌که توابع تشخیصی حاصل از آزمون تحلیل تشخیصی می‌تواند چهار گروه از گندم کاران را به طور معنی‌داری متمایز کند. تابع تشخیصی را می‌توان بر مبنای میزان دقت آن تابع در طبقه‌بندی صحیح گروه‌ها مورد ارزیابی قرارداد. تابع تشخیصی حاصل از آزمون تحلیل تشخیصی ۶۷/۲۳ درصد می‌تواند موارد گروه‌بندی گندم کاران را به چهار دسته سطح بسیار پایین، پایین، متوسط و سطح بالای به‌کارگیری راهبردهای مدیریت ریسک را تبیین نماید. در نهایت اینکه می‌توان بیان کرد که از بین متغیرهای روان-شناختی متغیرهای خوداتکایی، تأثیر، معنی‌داری، تاب‌آوری، امیدواری، فرصت‌شناسی، خود کارآمدی، خود تعیینی و شایستگی بر میزان اتخاذ راهبردهای مدیریت ریسک در بین گندم کاران شهرستان بناب اثرگذار بوده است.

۷. نتیجه‌گیری

یکی از چالش‌های مهم و پیش روی تولید محصولات کشاورزی، طبیعت آسیب‌پذیر این تولیدات است که خسارت‌های زیادی را برای کشاورزان و روستاییان در پی دارد. این امر شاید از مهم‌ترین عواملی باشد که کاهش انگیزه برای حضور پویا در فعالیت‌های کشاورزی از سوی روستاییان، سبب شده است.

در این راستا، کشاورزان و تولیدکنندگان کشاورزی همواره با نوعی ناباوری و نبود اطمینان در تولید، روبه‌رو هستند که در مقایسه با سرمایه‌گذاری در صنعت و خدمات از امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری کمتری برخوردار است. اگرچه ممکن است برای کنترل ریسک و میزان خطرپذیری محصولات کشاورزی، راه‌های گوناگونی وجود داشته باشد ولی بر پایه تجربه‌های علمی و عملی در بسیاری از کشورهای جهان، توجه به مدیریت ریسک یکی از

بهترین و خردمندانه‌ترین شیوه‌هایی است که می‌توان بدان استناد کرد؛ و همان‌طور که مطرح گردید نوشتار حاضر عوامل روان‌شناختی مؤثر بر کاربرد راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک مورد شناسایی قرار داده است. تحلیل‌های آماری نشان داد خوداتکایی و مدیریت ریسک رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار وجود دارد که با یافته‌های هیگ-نی و لوکی^۱ (۲۰۱۰) همخوانی دارد. در این رابطه می‌توان گفت درزمینه مدیریت ریسک حاصل پیوند دانش و خلاقیت است که با گذشت زمان تبدیل به یک ارزش می‌شود؛ و کشاورزان منتظر دریافت کمک‌های دولتی و یا سایر نهادها نیستند بلکه با در نظر گرفتن نقاط ضعف و قوت خود ریسک‌ها و خطرات موجود را مدیریت می‌کنند. همچنین بر اساس نتایج پژوهش بین تأثیر و مدیریت ریسک رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد که با یافته‌های ولندیا^۲ و همکاران (۲۰۰۹) همخوانی دارد. به عبارتی کشاورزان و گندم کارانی که تأثیرگذاری بالاتری در درون خود احساس می‌کنند در زمینه مدیریت ریسک موفق‌تر بودند. هم‌چنین بین معنی‌داری، تاب‌آوری و امیدواری با مدیریت ریسک رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد که با یافته‌های کرمن^۳ و همکاران (۲۰۰۸) همخوانی دارد. نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش درزمینه‌ی وجود همبستگی مثبت و معنی‌دار بین متغیرهای فرصت‌شناسی و خود کارآمدی با یافته‌های ولیوا (۲۰۱۱) همخوانی دارد. در نهایت نتایج این پژوهش نشان داد که بین خود تعیین و خود شایستگی با مدیریت ریسک توسط گندم کاران رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد که با یافته‌های عمانی و نیک‌اندیش (۱۳۸۹) همخوانی دارد.

بر اساس نتایج تحقیق و به‌منظور اتخاذ راهبردهای اصولی برای اتخاذ راهبردهای مدیریت ریسک، بهتر است دوره‌هایی مانند برنامه مداخلاتی لوتانز در مناطق روستایی برگزار شود تا به این وسیله بتوان از طریق ارتقای سرمایه روان‌شناختی شاخص‌های کیفیت زندگی را ارتقای بخشید. همچنین از آنجایی که ارتقای سرمایه روان‌شناختی در مناطق روستایی، شاخص توانمندی نظام اجتماعی به شمار می‌رود، این توانمندی به لحاظ عملی از طریق ارزیابی زندگی اجتماعات روستایی مدنظر قرار می‌گیرد؛ بنابراین به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باید بر اساس ابزار و امکانات موجود کیفیت زندگی افراد ساکن در مناطق روستایی را ارتقای بخشند. نوعی تعادل و یکپارچگی فعال در اجتماعات روستایی به وجود آورند و با یک نظام تبلیغاتی به تقویت مناسبات و همبستگی‌های اجتماعی پردازند؛ زیرا بر اساس نتایج این پژوهش بین متغیرهای سرمایه روان‌شناختی ارتباط و همبستگی درونی وجود داشته و موفقیت در امر توسعه سرمایه‌های روان‌شناختی روستائیان بدون توجه به تمامی متغیرهای مرتبط با سرمایه روان‌شناختی قابل دست‌یابی نیست و از طرفی با توجه به وجود ارتباط مثبت و معنی‌دار بین شاخص‌های سرمایه‌ی روان‌شناختی و مدیریت ریسک،

1 Higgins & Lockie

2 Velandia

3 Kremen

می‌توان با اتخاذ رویکرد همه‌جانبه که تمامی جوانب سرمایه روان‌شناختی را مدنظر قرار داده باشد، مدیریت ریسک را در بین گندم کاران نهادینه نمود.

همچنین پیشنهاد می‌شود که دولت با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی، آموزشی و تکنولوژیکی از خرده‌مالکان حمایت کرده تا ضمن افزایش انگیزه در بین آن‌ها موجب ارتقاء سطح به‌کارگیری راهبردهای مدیریت ریسک مالی و بازاریابی آن‌ها شود. براساس تجارب به دست آمده از سایر کشورهای موفق و به‌خصوص کشورهایمانند چین، هند و مالزی، اتخاذ رویکردهای حمایتی و آموزشی در سطح خرده‌مالکان منجر به احساس رضایت بیشتری در بین کشاورزان شکل داده و آنان از انگیزه‌ی بیشتری برای پیشرفت برخوردار می‌شوند. بنابراین پیشنهاد می‌شود که ضرورت و اهمیت آموزش و ترویج به‌عنوان یک رویکرد اصلی مورد توجه برنامه‌ریزان و مسئولین قرار گرفته تا با در نظر گرفتن خواست‌های و نیازهای آموزشی گندم کاران بتوان مهارت آنان را برای مدیریت ریسک افزایش داد. گذشته از اتخاذ رویکردهای آموزشی و ترویجی، حمایت‌های مالی و بیمه‌ای در کشاورزان و به‌خصوص کشاورزان خرده‌پا است. وجود بیمه‌های حمایتی از کشاورزان در برابر انواع خطرات، به نوعی در کشاورزان احساس امنیت روان‌شناختی ایجاد کرده و آنان را در تدوین راهبردهای بلند مدت مدیریت مزارع کمک خواهد کرد.

کتابنامه

- بورخانی، رزاق؛ شویکلو، ناهید؛ شوکتی، محمد؛ (۱۳۹۱). راهبردهای اساسی مدیریت ریسک در توسعه کشاورزی ایران. اولین کنفرانس ملی راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، تهران
- حسن‌لو، طاهره؛ کرم‌زاده، سعید؛ شهریاری، مهدی؛ کریمی‌آشنا، محمدرضا؛ قاسمی‌ارمکی، علی؛ (۱۳۸۶)، ریسک و مدیریت ریسک در کشاورزی ارگانیک. آموزش و سازندگی. شماره ۴. صص ۷۸-۶۵.
- حیدری، محسن؛ ۱۳۸۵. چگونه می‌توان خسارت بلایای جوی و اقلیمی را کاهش داد؟، ویژه‌نامه بلایای طبیعی سال ۱۳۸۵. وزارت راه و ترابری سازمان هواشناسی کشور. اداره کل هواشناسی استان آذربایجان شرقی.
- روستا، کوروش؛ فرج‌الله حسینی، سید جمال؛ چیدری، محمد؛ حسینی، محمود؛ ۱۳۸۷. بررسی سازوکارهای ترویجی مؤثر بر مدیریت ریسک تولید گندم در استان خراسان رضوی. مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی. جلد پانزدهم. شماره ششم، صص ۹۰-۶۵.
- صادقلو، طاهره؛ سجاسی‌قیداری، حمداله؛ ۱۳۹۳. اولویت بندی عوامل مؤثر بر افزایش تاب‌آوری کشاورزان در برابر مخاطرات طبیعی (با تأکید بر خشکسالی) منطقه مورد مطالعه: کشاورزان روستاهای شهرستان ایجرود. فصلنامه جغرافیا و مخاطرات محیطی. سال ۳. شماره ۱۰. صص ۱۲۹-۱۵۴.
- عزیمی، آئیژ؛ میرزایی قلعه، فرزاد؛ درویشی، سبا؛ ۱۳۹۴. جایگاه دانش بومی در مدیریت مخاطرات طبیعی در روستاها (مطالعه موردی: دهستان شیزر، شهرستان هرسین). فصلنامه جغرافیا و مخاطرات محیطی. سال ۴. شماره ۱۳. صص ۲۳-۳۹.

- عمانی، احمدرضا؛ نیک‌اندیش، علیرضا؛ ۱۳۸۹. شناسایی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر کاربرد راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک توسط گندم کاران شهرستان دزفول. فصلنامه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی. سال سوم. شماره چهارم. صص ۷۳-۸۴.
- گراوندی، شهپر؛ علی بیگی، امیرحسین؛ ۱۳۸۹. تعیین عوامل مؤثر بر استفاده از راهبردهای مدیریت ریسک تولید به‌وسیله کشاورزان ذرت کار شهرستان کرمانشاه. پژوهش‌های روستایی. دوره ۱. شماره ۲. صص ۱۳۵-۱۱۷.
- گراوندی، شهپر؛ علی بیگی، امیرحسین؛ ۱۳۹۰. شناسایی تعیین کننده‌های مدیریت ریسک کشاورزی: مطالعه کشاورزان شهرستان کرمانشاه. مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران. دوره ۴۲. شماره ۲. صص ۲۶۴-۲۵۵.
- گلزاری پرتو، لیلا؛ ۱۳۹۴. شبیه سازی اثر خشک شدن دریاچه ارومیه بر بارش منطقه شمال غرب ایران. فصلنامه جغرافیا و مخاطرات محیطی. سال ۴. شماره ۱۴. صص ۱۳۷-۱۴۷.
- مقدسی، رضا؛ ۱۳۷۵. گرایش به ریسک. فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه (۱۶). صص ۱۰۳-۹۵.
- Alimi, T., & Wall, A. (2005). Risk and risk management strategies in onion production in Kebbi State of Nigeria. *Social Science*, 10(1), 1-8.
- Alkire, S., Meinzen-Dick, R., Peterman, A., Quisumbing, A., Seymour, G. (2013). The women empowerment in agriculture index. *World Development*, 52, 71-91.
- Anderson, K. B., & Mapp, H. (1996). Risk management programs in extension. *Journal of Resource Economics*, 21(1), 31-38.
- Astles, K., Holloway, M., Steffe, A., Green, M., Ganassin, C., & Gibbs, P. (2006). An ecological method for qualitative risk assessment and its use in the management of fisheries in New South Wales, Australia. *Fisheries Research*, 82(1), 290-303.
- Badr, T. M. (2009). Managing risk on the Gresham 80(Risk Management Essay). Frist Edition. Virginia, USA. FFASSAE Publication..
- Blank, S., & McDonald, J. (1996). Reference for crop insurance when farmers are diversified. *Agribusiness*, 12(6), 583- 592.
- Dzeco, C., Amilia, C., Cristóvão, A. (2015). Farm field schools and farmer's empowerment in Mozambique: A pilot study. *Journal of Extension Systems*, 26(2), 142-158
- Falco, S. D., & Perrings, C. (2005). Crop biodiversity, risk management and the implications of agricultural assistance. *Ecological Economics*, 55(4), 459-466.
- Fiegenbaum, A., Hart, S., & Schendel, D. (1996). Strategic reference point theory. *Strategic management Journal*, 17(1), 219-235.
- Flaten, O., Lien, G., Koesling, M., Valle, P.S., Ebbesvic, M. (2005). Comparing risk perceptions and risk management in organic and conventional dairy farming: Empirical results from Norway. *Livestock Production Science*, 95(1), 11-25.
- Green, J. (2003). Risk management for small farms. *Cornell Small Farms Program*, 255-607
- Hall, M. (2008). The effect of comprehensive performance measurement systems on role clarity, psychological empowerment and managerial performance. *Accounting, Organizations and Society*, 33(2), 141-163.
- Hardaker, J. (2006). Farm risk management: Past, present and prospect. *Journal of*

- Farm Management*, 12(10), 593-612
- Higgins, V., & Lockie, S. (2002). Re-discovering the social: Neo-liberalism and hybrid practices of governing in rural natural resource management. *Journal of Rural Studies*, 18(4), 419-428.
- Kahan, D. (2008). Managing risk in farming/ farm management extension guide. Rural Infrastructure and Agro- Industries Division Food and Agriculture organization of the united Nations Viale delle Terme di Caracalla. First Edition. Rome, Italy. United Nation publication.
- Koesling, M., Ebbesvik, M., Lien, G., Flaten, O., Steinar Valle, P., Arntzen, H. (2004). Risk and risk management in organic and conventional cash crop farming in Norway. *Food Economics-Acta Agriculturae Scandinavica, Section C*, 1(4), 195-206.
- Kremen, C., Williams, N. M., Thorp, R.W. (2002). Crop pollination from native bees at risk from agricultural intensification. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 99(26), 16812-16816.
- Liu, S., Sathye, M., Chang, C.-I., Jiménez-Martín, J.-Á., McAleer, M., & Pérez-Amaral, T. (2011). Risk management of risk under the Basel Accord: Forecasting value-at-risk of VIX futures. *Managerial Finance*, 37(11), 1088-1106.
- Lu, W., Xi, A., & Ye, J. (2008). Disaster risk reduction strategies and risk management practices: Critical elements for adaptation to climate change. First Edition. Kyoto. UNFCCC Publication
- Luckstead, J., Devadoss, S., C. Mittelhamme, R. (2014). US and Chinese strategic trade policies and product differentiation in the ASEAN Apple Market. *International Economic Journal*, 28(4), 613-637.
- Malapit, H. J., Kadiyala, S., R. Quisumbing, A., Cunningham, K., Tyagi, P. (2013). Women's empowerment in agriculture, production diversity, and nutrition: Evidence from Nepal. *IFPRI Discussion Paper 01313*. Available at: [https:// papers.ssrn.com /sol3/ papers.cfm?abstract_id=2405710](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2405710).
- Nelson, A.G. (1997). Teaching agricultural producers to consider risk in decision-making. First Edition. Texas. Citeseer publication.
- Nelson, C. H., & Loehman, E. T. (2005). Further toward a theory of agricultural insurance. *American Journal of Agricultural Economics*, 69(3), 523-531.
- Neyhard, J., Tauer, L., & Gloy, B. (2013). Analysis of price risk management strategies in dairy farming using whole-farm simulations. *Journal of Agricultural and Applied Economics*, 45(02), 313-327.
- Ostrom, E. (1990). *Governing the commons: The evolution of institutions for collective action*. New York: Cambridge University Press.
- Sasmal, J. (1993). Considerations of risk in the production of high-yielding variety paddy: A generalised stochastic formulation for production function estimation. *Indian Journal of Agricultural Economics*, 48(4), 694.
- Song, Y., & Vernoooy, R. (2010). Seeds of empowerment: Action research in the context of the feminization of agriculture in southwest China. *Gender, Technology and Development*, 14(1), 25-44.
- Valeeva, N., van Asseldonk, M., & Backus, G. (2011). Perceived risk and strategy

- efficacy as motivators of risk management strategy adoption to prevent animal diseases in pig farming. *Preventive Veterinary Medicine*, 102(4), 284-295.
- Velandia, M., Rejesus, R. M., Knight, T. O., & Sherrick, B. J. (2009). Factors affecting farmers' utilization of agricultural risk management tools: The case of crop insurance, forward contracting, and spreading sales. *Journal of Agricultural Economic*, 65(3), 59-60.
- Zhang, X., & Bartol, K.M. (2010). Linking empowering leadership and employee creativity: The influence of psychological empowerment, intrinsic motivation, and creative process engagement. *Academy of Management Journal*, 53(1), 107-128.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی